

سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی

تألیف

دکتر محمود امید سالار



تهران ۱۳۸۹

سرشناسه	: امیدسالار، محمود.
عنوان و نام پدیدآور	: سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی / تألیف محمود امیدسالار.
مشخصات نشر	: تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۵۴۴ ص.
فروست	: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی
	: ۱۳۲. گنجینه قلمرو زبان فارسی و ادبیات دری ۳۴.
شابک	: 978-964-6053-57-1
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه - نقد و تفسیر.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۴ ق. تاریخ و نقد.
موضوع	: ادبیات فارسی - تاریخ و نقد.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ س ۹ الف ۴۴۹۲ PIR
رده‌بندی دبویی	: ۸ فا ۱ / ۲۱
شماره کتابخانه ملی	: ۲۰۴۹۳۶۴



ناشر	: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار
نام کتاب	: سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی
تألیف	: دکتر محمود امیدسالار
شمارگان	: ۱۰۰۰
شماره انتشار	: ۱۳۲
	: شماره گنجینه قلمرو زبان فارسی و ادبیات دری: ۲۴
	: پربازندگان نشان موقوفه: طرازی مرتضی ممیز، خط از محمد احصائی
آماده سازی فنی	: انتشارات ثریا
نوبت چاپ	: اول
سال چاپ	: ۱۳۸۹
چاپ	: چاپخانه ترانه
صحافی	: مهرآیین
بها	: ۱۱۰۰۰ تومان

شابک 978-964-6053-57-1 ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۵۳-۵۷-۱

Afshar Foundation [mailto:info@m-afshar.net]

شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش) - وزیر بهداشتی (وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران، یا معاونان اول هریک از این پنج مقام (طبق ماده ۲ و ققنامه)

* متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر علیمحمد میر (جانشین: دکتر حسین نژادگشتی) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی) - مهربانو دکتر افشار (دبیر شورا) جانشین: پروین صالح - ایرج افشار (بازرس و سرپرست) - ماسان دکتر افشار (بازرس)

هیأت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد	رئیس هیأت مدیره (از شورای تولیت)
ابراهیم ابراهیمی	نایب رئیس هیأت مدیره (از شورای تولیت)، معاون قضائی
محمدتقی جنیدی	مدیر عامل
صمد محمودی بافتوت	خزانه دار، حسابدار

*

مسئول انتشارات کریم اصفهانیان

* درگذشتگان

اللهیار صالح - حبیب الله آموزگار - دکتر محمدعلی هدایتی - دکتر مهدی آذر - دکتر یحیی مهدوی - مهندس نادر افشار - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی.
ریاست هیئت مدیره: دکتر سید جعفر شهیدی (از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳).

اعضای پیشین

دکتر جمشید آموزگار - دکتر منوچهر مرتضوی - بهروز افشار یزدی.

بنام پروردگار یادداشت واقف

اول : طبق ماده ۲۳ و قفنامه اول مورخ یازدهم ۱۳۳۷ ه. ش. (... در آمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و اتمام دادن جوایز به نویسندگان شرح دستور این وقفنامه گردد.)

دوم : هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ و قفنامه (... تعلیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران میباشد. بنابراین کتبی که با وجود این موقوفات منتشر شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیک مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.)

سوم : طبق ماده ۲۶ (مقداری از کتب رسالات چاپ شد و با وجود این موقوفات باید بطور بدیه و بنام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قراوتخانه های عمومی ایران خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مشرقین خارج فرستاده شود...)

چهارم : چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی ممکن این هم جایز است طبق ماده ۲۷ و قفنامه هیچ کتاب رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی را از اذیه های تمام شده و افزایش صدی و دوامیت قیمت گذاری شود (... این افزایش ۲۵ درصد بواسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و نه اینکه اینست که برای پست غیر تحمل شود. از کتاب فروشان تقاضا داریم که در این امر خیریه که ابداً جنبه تجارتي ندارد با مایاری شرکتی سعی نمایند.

پنجم : براساس موافقت نامه دوم مورخ ۱۳۵۲، ۴، ۱۲ که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسید، قسمتهای مهمی از رقبات مانند جایگاه سازمان لغت نامه خداوند مخل مؤسسه باستان شناسی، بطور رایگان دانشگاه طهران گذاشته شد و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مقاد و قفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و

نکرت تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب دسی) میباشد در اختیار دانشگاه طهران قرار گیرد و
وصول نموده و بنام این موقوفات اعطاء و نشر گردد.

هشتم : چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شد است که از طرف ریاست دانشگاه و نیز از متولیان
این موقوفات که از طرف اهف نیز بصورت کتبه اشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی ادو
امور و از نشر کتاب انتخاب شود، (ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای ملیست
است از طرف اهف نیز بصورت کتبه نامبرده معین شده و به نسبت سرپرست انتخاب برقرار نموده)

هفتم : چون نگارنده این ملور بواسطه کبر سن (۸۶ سال شمس) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی
این کار بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تالیف و ترجمه و خرید کتب غیره بفرزند
ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. درین چند سال اخیر هم که دو جلد از تالیفات خودم از طرف
موقوفات بطبع رسید، با کوشش سرپرستی می بوده است. کسانی که مایل به همکاری و تالیف یا
ترجمه و نشر کتاب هستند میتوانند با مراجه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تالیف و ترجمه با هدفنا
این بنیاد یعنی ترقی ملت و کشور و تعلیم زبان فارسی و تحمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک زبان می
وقتی همه ایرانیان است، میباشد.

هشتم : این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاری زوی

آذرماه ۱۳۵۸ ه. ش.

محمد سلوچ

تکلمه سوم

کتابی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع میشود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف واقف باشد اگر چه اینها مجموعاً مانند بقیه موقوفات منتشر شده یا می شود و صد در صد این طایفه است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت ولی زمانیکه دارای خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین صفت است به عمده بنیاد و انکدار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید کتب نظم و نثری از کتب شکران و آینه گاه با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غالبی واقف آنکه ترویج زبان و نثری و تکمیل و مدت فی ایران است بر داشته، کتابی که بوی از ناحیه گزالی و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبانهای خارجی به قصد تضعیف زبان و نثری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و دشمنی با سننهای فتنه انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

تکلمه دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فریبک نام فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که ادواتی یاد و هنرینه بیشتر دارد و در آمد مایه بنیاد کفاف خرج آنها را ندیم میتوان با انداختن با یکی این موقوفات چاپ نمود به شرط آنکه اجازه واقف در زمان حیات موافقت شورای تالیفات بعد از اتمام یا هر کس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام او در تکلمه دوم یاد داشت واقف بیشتر در جلد سوم افغان نامه بجا شتم که کتب رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی مخصوصاً آنکه نباشد با غرض سیاسی خارجی را غافل پذیرد و نثر تاریخی ادبی ایران شناسی... و در پایان آن بجهت افزودیم بهیم داشتیم که مبادا چنین رسالاتی سالها بعد از زمان خود بسته و نهانست. بهر حال بنیاد چاپ شود پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این باید و بیها بنیاد موقوفات خود است نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک و شش خاص خود را دارد و مداخلاتی در کار آنها نداریم.

تأملاتی که نویسنده این بطور متوالی هستم و فرزند دانشمند سراج افشار که به روز نویسنده کی کاملاً آگاه میباشد سرپرست انتشارات این بنیاد است مروجی برای نگارنی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این دستور داده یابد. ان شاء الله. اردیبهشت ۱۳۶۱

تکمله و تبصره

باور داشت افبند و زرش از کشت آذین و برای اهل و زیاده

کتاب نظم و نثری از کشتگان بآینه کان که با سر بایه و آرد این بنیاد چاپ و توزیع میشود باید منطبق باینست افبند و فغان باشد. و مروج زبان ری و قلم این بان حکیم و حدیثی و قنایت کشور ایران باشد و بولی از ناحیه کرای و جدایی طلبی نهد. و حمایت مروج از لهجای محلی و زبانهای خارجی. به قصد تضعیف بان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتابها رسالات باید منزه باشد از دشمنای تفرقه آمیز و سیاستهای فتنه انگیز چه بطور مرموز و چه علنی منحصراً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لغات پرتویش تاریخی، ژئوگرافی و فزیک و ایران شناسی.

کتاب تاریخی ادبی، عالمانه، خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه میشود اگر اداری هر دو جنبه از سواد زبان باشد، باید قسمت سومند آنها ترجمه شود قسمت بان بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد جالبانه زیرا گفته منطقی مکن است مؤثر باشد. شائنا که و بهیچ کوی این بنیاد و انتشارات غنی و باید در هر حال از دروغ و تأثر پرهیز کند. به گفته نظامی کنجی: چو توان هستی اوج کران دروغی انبیا یخ فرج کران

برای چاپ انتشار کتب رسالات نه تنها هزینه و حق الزحمه بنویسندگان بلکه به سبب امنیت فوق العاده سودمند بودن کتابها جایزه نیز میراثیم. این بنیاد و چاپ انتشار کتابهای خود بطور مسلم ضرر مادی دارد زیرا اکثر از ارزش تمام شدن. از کاغذ و چاپ و غیره. از راه فروش آید دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معالجه مجرم. ملا نصرالدین باشد که تخم مرغ میخورد و نه ای و شای، ای غمت و رنگ می کرد و می فروخت یک شای، عقیده ما بر اینست که اگر در این مؤخر مادی و مالی می کنیم سود معنوی که منظور ماست می بریم. و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و حکیم وحدت ملی و قنایت ملی ایران است وای می بریم. این زبان به حساب مصارف و فایده آید و آل. و هدف ملی خود محسوب می اریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به نکل منتشر شده و از بنده ای کتابهای این بنیاد که اضافات و تفاوتهایی که با هم دارد توجه فرمائید.

دکتر محسن افشار

آذر ۱۳۸۴

مقررات مربوط به جایزه های ادبی و تاریخی

ماده ۳۴ و قضاة اول

چنانچه درآمد موقوفات به مقدار قابل افزایش یا بدو واقف یا شورای تولیت می تواند علاوه بر تألیف و ترجمه و چاپ کتب مبلغی از آن را تخصیص به جوایز برای تشویق دانشمندان، دانش پژوهان، نویسندگان و شاعران بدهند، بالاخص برای بهترین نویسندگان و شاعران در مجله آینده، بنابراین باید شعرا و نویسندگان را به سرودن اشعار و تصنیف قطعات نظم و نثر وطنی و ملی و اجتماعی، طرح اقتراحات و مسابقت ها و دادن جوایز از درآمد موقوفات تشویق و ترغیب نمود، تخصیص این امور در زمان حیات با واقف است که با مشورت دوستان مطلع خود انجام می دهد پس با نیستش نفوذ است که دو سوم از متولیان و یک سوم از بنیت دیر به شرکت مطبوعاتی آینده یا هر کس را که آنها و اینها به جایشان معین کنند، مرکب خواهد بود.

ماده ۵ و قضاة پنجم

بسبب انحلال شرکت مطبوعاتی آینده آنچه در مورد تخصیص امور مربوط بدان جوایز طبق ماده ۳۴ و قضاة اول به تاریخ دیماه ۱۳۲۷ به عهده آن شرکت محول بوده از میان رفته و انجام آن امور منحصراً به عهده واقف پس شورای تولیت است که می تواند از اهل بصیرت یاری بخوانند.

یادداشت واقف

جوایز - جوایزی که در این موقوفات تعیین شده نیز مانند سایر امور آن پیرامون هدف آن است تکمیل وحدت ملی به وسیله زبان فارسی یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعار که پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی، خواه به زبانهای دیگر، خواه به وسیله ایرانیان یا ملل دیگر، خواه در خود ایران، خواه در خارج می تواند نامزد دریافت جایزه گردد. برای این کار آیین نامه ای باید تهیه شود، اجمالاً اصول آن را یادداشت می کنم.

جایزه های داده شده و تاریخ اعطای آنها

۱	۱۳۶۸	دکتر نذیر احمد	دانشمند هندی، استاد بازنشسته دانشگاه علیکره (هندوستان)
۲	۱۳۶۹	دکتر غلام حسین یوسنی	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی (مشهد)
۳	۱۳۶۹	دکتر امین عبدالمجید بدوی	دانشمند مصری، متخصص ادبیات فارسی، استاد دانشگاه عین شمس (قاهره)
۴	۱۳۷۰	دکتر سید محمد دیرسیاتی	دانشمند ایرانی، از موسسه لغنامه دهخدا
۵	۱۳۷۰	دکتر منظورالدین احمد	دانشمند پاکستانی، استاد بازنشسته دانشگاه پنجاب (لاهور)
۶	۱۳۷۵	جان هون نین	دانشمند چینی، استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه پکن (چین)
۷	۱۳۷۷	دکتر کمال الدین عینی	دانشمند تاجیکستانی، استاد و متخصص ادبیات فارسی (دوشنبه، تاجیکستان)
۸	۱۳۷۹	دکتر منوچهر ستوده	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران
۹	۱۳۸۲	دکتر عبدالحسین زرین کوب	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران
۱۰	۱۳۸۰	کلینفورد ادسون باسورث	دانشمند انگلیسی، استاد بازنشسته دانشگاه مختبر عضو آکادمی بریتانیا (انگلستان)
۱۱	۱۳۸۲	فریدون شیرینی	سخنرانی نامور ایرانی
۱۲	۱۳۸۲	تومونو کورو یا ناکی	دانشمند ژاپنی، استاد ممتاز دانشگاه مطالعات خارجی توکیو (ژاپن)
۱۳	۱۳۸۳	پرفور ریچارد فراسی	دانشمند آمریکایی، استاد پیشین ایران شناسی دانشگاه هاروارد (آمریکا)
۱۴	۱۳۸۵	مانس دو بروین	دانشمند بلندی، استاد پیشین زبان فارسی دانشگاه لیدن (هلند)
۱۵	۱۳۸۶	نجیب یابل هروی	دانشمند افغانستانی، پژوهشگر و صحیفه نویس عرفانی
۱۶	۱۳۸۶	شارل مانزی دو فوشه کور	دانشمند فرانسوی، استاد پیشین دانشگاه پاریس (فرانس)
۱۷	۱۳۸۷	دکتر بدرالزمان قریب	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران

فهرست مندرجات

پیشگفتار.....پانزده

بخش اول - شاهنامه

۱. نسخه شاهنامه لندن ۵
۲. ابیات پادشاهی بهرام گور در شاهنامه ۳۵
۳. عبارتی از مقدمه شاهنامه ابومنصوری ۵۳
۴. مقدمه داستان اشکانیان در شاهنامه ۶۳
۵. داستان هرمزد نوشیروان در شاهنامه مسکو ۷۵
۶. داستان‌های پادشاهی ساسانیان ۸۹
۷. داستان‌های اسکندر و اشکانیان در شاهنامه خالقی مطلق ۱۰۹
۸. دو بیت از شاهنامه تصحیح خالقی مطلق ۱۲۶
۹. اقبال آشتیانی و برنامه تصحیح شاهنامه ۱۳۶
۱۰. «بگشتی» یا «بگشتنی» در شاهنامه ۱۵۰
۱۱. نظری بر بو طیفای شاهنامه ۱۵۷
۱۲. کتاب اختیارات شاهنامه ۱۷۱
۱۳. درباره ز شیر شتر خوردن و سوسمار ۱۷۷
۱۴. علامه قزوینی، شاهنامه ۱۸۰
۱۵. درباره معجم شاهنامه از علوی طوسی ۱۹۵
۱۶. نام اسب افراسیاب ۲۱۰
۱۷. هلمن و هُجیر، فردوسی و هُجیر ۲۱۴
۱۸. متن نهایی شاهنامه ۲۴۰

بخش دوم - متون

۱۹.	تاریخ بیهقی و سواد امیران غزنوی	۲۵۷
۲۰.	علامه قزوینی و فن تصحیح ملاحظات پیرامون چهار مقاله	۲۸۳
۲۱.	داراب نامه طرسوسی	۳۱۷
۲۲.	سمک عیار	۳۴۱
۲۳.	عجایب الدنيا و ابوالمؤید بلخی	۳۷۸
۲۴.	علی نامه ربیعی	۳۸۴
۲۵.	گرشاسپنامه	۴۰۱
۲۶.	مجمل التواریخ و القصص	۴۱۰

بخش سوم - فن تصحیح متن

۲۷.	تاریخچه‌ای از تصحیح متن در مغرب زمین	۴۵۳
۲۸.	اهمیت اعجام صحیح در تصحیح انتقادی متن	۴۷۸
۲۹.	خالقی مطلق و فن تصحیح متن در ایران	۴۸۵

بخش چهارم - مباحث ادبی

۳۰.	قدمت نسبی برخی از متون فارسی موجود در روایات زردشتی	۴۹۳
۳۱.	حماسه	۵۱۰
۳۲.	بهار و تصحیح متن	۵۲۷

پیشگفتار

بررسی تاریخ، ادبیات، و فرهنگ ایران باید از درون تمدن ایرانی انجام شود. باید اول دید گذشتگان با مسائل مربوط به ادبیات و غوامض تصحیح متون خودمان چه می‌کرده و چه شیوه‌ها و شگردهایی را در حل این‌گونه مشکلات به کار می‌گرفته‌اند. اگر معلوم شد که آن شیوه‌ها و شگردها دیگر به کار نمی‌آید؛ آن وقت می‌توان به سراغ روشهای دیگران رفت و از آنها مدد خواست. تازه روشهای مفید بیگانه هم منحصر به روشهای غربی نیست.

تمدنهای چین و هند هم راهکارها و نظریه‌های بسیار مفید ادبی و علمی داشته‌اند که این نظریه‌ها در بسیاری از موارد با فرهنگ و تمدن ایران سازگارتر است. مثلاً اگر به روند مناسبات دیپلماتیک در شاهنامه که سند هویت ملی ایرانی است نگاه کنید، می‌بینید که تبادلات میان ایران و چین و هند، و حتی توران، به مراتب بیش از روابط میان ایران و روم است.

ایران، چین، و هند سه غول تمدن مشرق‌زمین‌اند که هرکدام به نحوی از خواب سیصدساله‌یی که جادوی استعمار غرب بر آنها افکنده بود بیدار شده‌اند و دیگر نمی‌توان این غولها را به زندان شیشه‌ای سه قرن اخیرشان بازگرداند. این حقیقتی است که فونگی‌ها در مورد چین قبول کرده‌اند، در مورد هند هم کم‌کم دارند بدان پی می‌برند، اما در مورد ایران از قبول واقعیت طرفه می‌روند. وظیفه ملی اندیشمندان جوان ما این است که فرنگ را ملزم به قبول این حقیقت بکنند. این تصور که هرچه شرقی و ایرانی است بد و نابسامان است و هرچه فونگی و غربی است خوب و روشمند، اعتقادی است واهی و مرده‌ریگی از دوران جهان‌بینی مستعمراتی که دیگر جایی در فرهنگ ایرانی ندارد. البته من با استخدام روشهای فونگی که ممکن است در تحقیقات ادبی ما کارآیی داشته باشند مخالفتی ندارم. مخالفت من با پیروی کورکورانه است نه با استخدام و یا وام‌گیری.

آنچه که از بیگانه قرض می‌کنیم، چه غربی باشد و چه شرقی، باید پیش از استفاده، مطابق با احتیاجات بومی ادب، زبان، و فرهنگ خودمان بازسازی شود. کجای قانون طبیعت نوشته است که ایرانی قادر به نظریه‌پردازی علمی در باب ادب و فرهنگ نیست؟ چرا باید جریان حرکت نظریه‌های علمی و ادبی از غرب به شرق باشد؟ مگر نه این است که تمدن اروپا تا همین چند قرن قبل مدیون تمدن و علوم اسلام بود؟ مگر غیر از این است که گذشته از زیربنای مذهبی و اعتقادی اسلام که کاری به ایران ندارد و میراث مشترک همه مسلمانان جهان است، روبنای تمدن اسلامی، از پزشکی و فلسفه و ریاضیات و هنرهای زیبا و علوم بیشتر مدیون تلاشهای اندیشمندان ایرانی است.

بیش از دو هزار سال از دو هزار و پانصد سال تمدن و فرهنگ ایران که در بطون تواریخ مضبوط است، دوران سیادت ایران و ایرانی بوده است. سرافرازی و غیرت ایرانی کجاست که حالا ما باید خود را حتی در علوم ادبی مربوط به زبان مادری خودمان هم جیره‌خوار فرنگ بدانیم و این جیره‌خواری را جزو مدرنیسم تصور کنیم؟ به قول حکیم طوس:

نیاکان و شاهان ما تا بوند به هر سال باژی همی بستند

به هرکار ما را زیون بود روم کنون بخت آزادگان گشت شوم

بنده بسیار دیده‌ام در انتقاداتی که از برخی تصحیحات وطنی می‌شود، منتقد به رسم الخط تصحیح و یکدست نبودن آن ایراد می‌گیرد. در تصحیح متن و مخصوصاً در چاپ متون متغیج هیچ لزومی ندارد که یک رسم الخط واحد رعایت شود. هیچ کسی که ادنی‌آشنایی با رسم الخط دستنویسهای فارسی داشته باشد نمی‌گوید که کاتبان قدیم یک رسم الخط واحد را رعایت می‌کرده‌اند. بیشتر متخصصین می‌دانند که گاهی کاتب واحد، در نسخه واحد - و حتی بعضاً در سطر واحد - یک کلمه را به چند رسم الخط می‌نویسد، و این تنوع به نظر بنده عیب خط فارسی نیست، بلکه حسن آن است. مثال دوم انتخاب نسخه اساس در تصحیح و پافشاری برخی از ادبای خودمان در پیروی از آن است. شکی نیست که ادبای قدیم ما به اعتبار نسخه اعتقاد داشتند و به نسخه معتبر اهمیت بسیار می‌دادند. اما هیچگاه خود را به پیروی طابق النعل بالنعل از نص نسخه اساس موظف نمی‌دیدند بلکه ذوق سلیم، احاطه علمی، و ملاحظات جنبی متعدد دیگری را هم در نظر می‌گرفتند. این رسم غلامی نسخه اساس کردن از غرب به ایران وارد شده و هیچ پایه و اساس فرهنگی، تاریخی، و حتی علمی ندارد. البته در این که زمام تصحیح را نباید یکسره به دست سلیقه شخصی و ذوق سپرد حرفی نیست. اما پر بها دادن به نص نسخه اساس هم راه به جایی نمی‌برد. هردوی این نوآوریها، یعنی یکدست کردن رسم الخط در چاپ متون مصتح و تکیه بیش از حد بر نسخه اساس از ابداعاتی است که با سنت فرهنگ ادبی ما تناقض دارد و باید دوباره به دقت مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

از یکدست کردن رسم الخط و تکیه بیش از حد بر نسخه اساس گذشته، برخی دیگر از پیشداوریهایی که در میان ما رسم شده نیز از مقولات استقراضی و ناپسند فرنگی است. مثلاً بیانات نژادپرستانه نادرستی که در نوشته‌های بسیاری از متخصصان شاهنامه به چشم می‌خورد، مخصوصاً توهین به محمود غزنوی یا دیگران به خاطر ترک بودنشان، یا تازی خواندن اعراب. نباید اجازه داد که چنین داوریهای نژادپرستانه‌ای که از صفات ناپسند فرنگیهاست در تحقیقات ایرانیان در باب رجال علم و ادب و تاریخ ایران اثر بگذارد.

از مدیران مجله‌های آیین میراث، نامه بهارستان و ایران‌شناسی که شفاهاً اجازه تجدید چاپ آنچه را از این کاغذپاره‌ها که قبلاً چاپ شده بود داده‌اند متشکرم. از فاضل جوان آقای پژمان فیروزبخش که زحمت برخی کارهای مقدماتی آماده کردن این مقالات را بر خود هموار کرد نیز سپاسگزارم.

سی و دو مقاله
در نقد و تصحیح متون ادبی
